خبر

صدرنشینی «کت چرمی» و «شهر هرت»

فیلم‌های سینمایی «کت چرمی» و شهر هرت» که از ۱۷ خرداد ماه روی پرده سینماهای سراسر کشور رفتند، در کمتر از یک هفته صدرنشین گیشه سینما شدند.

سینمای ایران این هفته درمجموع ۱۶ میلیارد و ۶۷۶ میلیون و ۶۵۸ هزار فروش داشت که این آمار روند نزولی داشته است.

فیلم کمدی «فسیل» به تهیه‌کنندگی سیدابراهیم عامریان و کارگردانی کریم امینی از ۲۴ اسفند روی پرده سینماهای کشور رفت. فسیل این هفته با فروش ۲۲۳ هزار بلیت به ارزش ۹ میلیارد و ۱۷۷ میلیون تومان همچنان در صدر جدول فروش سینماها قرار گرفته است.

«آهنگ دو نفره» کاری از آرزو ارزانش است که با فروش ۴۱ هزار بلیت به ارزش یک میلیارد و ۶۸۱ میلیون تومان در رتبه دوم جدول فروش قرار گرفته است.

شهر هرت کاری از کریم امینی است که با فروش ۲۹ هزار بلیت سینما توانست یک میلیارد و ۵۸۴ میلیون تومان بفروشد و در رتبه سوم جدول فروش سینماها قرار گیرد.

کت چرمی کاری از حسین میرزامحمدی تنها در سه روز صدرنشین گیشه سینما شد و با فروش ۹۰۰۰ بلیت به ارزش ۵۴۳ میلیون تومان در رتبه پنجم جدول فروش سینماها قرار گرفت.

گفت‌وگو با علیرضا قاسم‌خان، فیلمساز و پژوهشگر به مناسبت روز جهانی صنایع دستی و روز ملی فرش:

آفت نگاه موزه‌ای به صنایع دستی

صنایع‌دستی را در بوفه و کمد نگه نداریم، استفاده کنیم

نمایی از فیلم شیار ۱۴۳

نسرین بختیاری
گروه فرهنگ و هنر

امروز ۲۰ خرداد، با صنایع‌دستی و فرش ایرانی گره خورده است تا توجه ما به سمت انواع صنایع‌دستی ایرانی که از نظر سازمان صنایع‌دستی ۳۷۰ رشته می‌شود، جلب شود. گلیم، فرش، گبه، قلمزنی، شیشه‌گری، منبّت‌کاری، میناکاری، سفال، چوب و خاتم‌کاری ازجمله صنایع‌دستی ایرانی هستند که فیلمسازان در این رابطه فیلم ساختند اما معدود فیلم‌هایی بودند که دیده شدند و از آنها استقبال شد. شاید به این دلیل که هنوز اطلاعات، متر و معیار کمی برای فیلمسازی در این رابطه وجود دارد. برای به دست آوردن متر و معیار چگونگی فیلمسازی در این باره، نیاز به پژوهش و گفت‌وگو با فیلمسازان اهل فنی همچون علیرضا قاسم‌خان، مستندساز و پژوهشگر داریم تا علت کم بودن فیلم‌ها و چالش‌های فیلمسازی در این خصوص را بدانیم.

نگرش یک فیلمساز به صنایع‌دستی ایرانی چگونه باید باشد؟

ما از ابتدا باید تعریف درستی از صنایع‌دستی در مقابل دیگر هنرها ارائه دهیم؛ یعنی تعریف کنیم که چرا به اینها صنعت دست می‌گویند و مثلا به نقاشی و مجسمه‌سازی که باز هم با دست ساخته می‌شود، صنعت دست نمی‌گویند. این تفاوت‌ها از اواخر قرن ۱۸ به‌وجود آمد و هنرهای زیبا را از هنرهای دستی جدا کرد و این سرآغاز نگرش دیگری به این معناشد که اگر یک کاسه نقش‌دار صنایع‌دستی را می‌خریم، آن را در موزه خانگی یا بوفه خانه خود نگهداری می‌کنیم؛ در حالی که صنایع‌دستی برای استفاده مردم ساخته می‌شود. اگر شما کاسه‌ای را از میبد یزد یا لالجین همدان می‌خرید، باید از آن به شکل روزمره استفاده کنید اما نگرش اشتباه به ما می‌گوید به دلیل این‌که صنایع‌دستی جزو هنرهاست، باید حفظ شود. وقتی که ما چنین کالای هنری را در بوفه می‌گذاریم، دیگر از بین نمی‌رود، شکسته نمی‌شود و اقتصاد آن هنر رو به افول می‌رود و دیگر کسی خریدار آنها نیست. به عنوان مثال، شما نمی‌روید شش بشقاب از صنایع‌دستی برای استفاده روزمره بخرید، می‌گویید اینها برای بوفه است و به این شکل این هنر تبدیل به هنرهای زیبا می‌شود، چون در هنرهای زیبا مجسمه‌ای را از هنرمندی می‌خرید و در منزل‌تان می‌گذارید و از آن استفاده نمی‌کنید. بنابراین، ما در ابتدا باید متوجه شویم که صنایع‌دستی در عین حال که خلاقیت و هویت ملی، تاریخی و هنری همه ساکنان این سرزمین را دربرمی‌گیرد، برای استفاده نیز طراحی شده است.

به نظر شما چه کاری باید انجام دهیم که این دیدگاه موزه‌ای به هنر صنایع‌دستی حتی در میان فیلمسازان هم وجود نداشته باشد؟

فکر می‌کنم نگره فیلمسازان را پژوهشگران صنایع‌دستی تغییر می‌دهند؛ یعنی در عین حال که روی خلاقیت و هویت ملی و بسیاری از ویژگی‌های دیگر تأکید می‌کنند، باید به مردم یاد دهیم که صنایع‌دستی برای گذاشتن در بوفه و کمد نیست و باید این نگره را به فیلمسازان منتقل کنیم. در عین حال سازمان‌هایی که متولی امر فیلمسازی مانند رادیو تلویزیون یا مرکز گسترش مستند تجربی هستند، باید به نگرش‌های جدید در فیلمسازی و صنایع‌دستی پی ببرند و فیلمسازان هم وقتی به سمت مسائل مربوط به صنایع‌دستی ایران اعم از فرش و مشکلات آن می‌روند، باید بررسی کنند که جهان امروز درباره این موضوعات چه می‌گوید. آیا این‌که تنها شنیدیم چاقوی زنجان خیلی خوب است، می‌تواند با آخرین مدل چاقویی که در آلمان ساخته شده، برابری کند؟... آیا فیلمساز این نگره را دارد که با مقایسه هنر چاقوسازی زنجانی و آلمانی در ذهن مخاطبی که این فیلم را می‌بیند، تفاوتی ایجاد کند؟... بنابراین، تمام این یافته‌ها از پژوهش‌های پژوهشگران شروع می‌شود. خودم قبل از ساخت فیلم درباره صنایع‌دستی اول از محققان پرسیدم که آنها نیز به همین اشاره کردند که وقتی از لفظ هنر صنایع‌دستی استفاده می‌کنید، این اجناس داخل کمد می‌رود و فردا بیکاری و فقدان رونق اقتصادی به‌وجود می‌آید.

آیا گران بودن صنایع‌دستی، دلیل ویترینی بودن آنها نیست؟

نه، وقتی تولید زیاد باشد، صنایع‌دستی هم ارزان می‌شود اما به دلیل این‌که در حال حاضر این درخواست کم و هزینه‌های زندگی تولیدکننده زیاد است، ممکن است قیمت زیاد باشد. تمایل دارم در این رابطه مثالی بزنم؛ کنار خیابان لیوان فرانسوی را ۱۲ هزار تومان قیمت گذاشته‌اند و ما این لیوان را می‌خریم. اگر از آن استفاده کنیم و بشکند، چندان ناراحت نمی‌شویم اما اگر لیوانی از صنایع‌دستی را به همین قیمت بخریم، معتقدیم که نباید بشکند. بنابراین، اول باید این نگره را در ذهن به کمک محققان تغییر دهیم و این‌که سازمان‌های متولی امر صنایع‌دستی باید نگرش خود را تغییر دهند. البته در ۱۵ سال گذشته بسیاری از نگرش‌های قدیمی درباره صنایع‌دستی از بین رفته و اصلاح شده اما یکی از بزرگ‌ترین مسائل آنها بازاریابی جدید و اینترنتی و ساختن آثار با توجه به سلیقه دختران، پسران، مردان و زنان در عصر جدید است.

همچنین پیدا کردن بازار جهانی برای صنایع‌دستی ایرانی خیلی اهمیت دارد و از محدوده بازار داخلی و ایران باید خارج شویم. فقط فرش ما جزو معدود صنایع‌دستی است که بازار جهانی دارد و برای سفالینه‌ها و شیشه‌گری کار خاصی انجام نشده و اگر هم انجام شده، به شکلی نبوده که رونق اقتصادی ایجاد کند. رونق اقتصادی در صنایع‌دستی معمولا زمانی است که توریست بیاید و این کالاها را بخرد و به آن سر دنیا ببرد. در مورد فیلمسازی اولین کار این است که سازندگان آثار سینمایی و تصویری باید با نگرش‌های جدید با کمک محققان آشنا شوند و در فیلم‌ها منعکس کنند. یکی از دوستانم به گلایه گفت چقدر فیلم درباره سفالگری ساخته شده اما معتقدم باید هزاران فیلم در این رابطه ساخته شود. ما در فرانسه جشنواره‌ای داریم که فقط کارش نمایش و مسابقه دادن فیلم‌ها درباره سفالگری، کاشی و سرامیک از سراسر دنیاست. ما نه‌تنها جشنواره‌ای برای توجه کردن به چنین فیلم‌هایی نداریم، بلکه این فکر و عقیده را که لزوم فیلمسازی دوباره درباره هنر سفالگری چیست را نیز باید از بین ببریم. اگر مسئولی یا دوستی گلایه از تکراری بودن فیلم‌ها در این حوزه می‌کند به این دلیل است که نگرش فیلمسازان در این رابطه تکراری است. نشان دادن سفال از چندین جهت موجب تکریم فیلم‌ها در حوزه صنایع‌دستی نمی‌شود، باید بررسی کنیم که چه ایده جدیدی در جهان وجود دارد.

شما چقدر این نگرش جدید را در نسل تازه فیلمسازان جوان که درباره صنایع‌دستی فیلم می‌سازند یا دغدغه آن را دارند، می‌بینید؟

معتقدم عرصه هنر خالی نخواهد ماند و نمی‌توانیم بگوییم بچه‌های الان نسبت به گذشته بی‌تفاوت شده‌اند، بلکه تفاوت‌ها شکل دیگری پیدا کرده است. اگر هم این جوان حمایت و هدایت نشود و به طور مرتب در فیلمسازی تجربه به دست نیاورد، مسلم است که او هم به شکل‌های قدیمی تثبیت شده فیلمسازی روی می‌آورد و هیچ خلاقیتی در کار خود نمی‌بیند. این طور نیست که بگوییم جوانان نمی‌توانند خلاقیت داشته باشند یا متوجه نیستند بلکه معتقدم مهم‌ترین موضوع در زندگی بشر آموزش است و شما هر روز که در خیابان قدم برمی‌دارید یا سرکار می‌روید، در حال یادگرفتن هستید و این آموزش‌ها هم باید از طرف خود سازمان صنایع‌دستی و هم از طرف بخش‌های مختلف فیلمسازی باشد. باید اجازه دهیم فیلم‌های مرتبط با صنایع‌دستی با تفاوت‌های فرمی، ظاهری و باطنی تولید شود.

اگر به حوزه فیلم‌های داستانی مرتبط با صنایع‌دستی نگاهی بیندازید؛ تنها چند فیلم که شاید شاخص‌ترین آنها درباره فرش باشد، در این حوزه ساخته شده است. فکر می‌کنید چه دلیلی برای این کم‌گویی در سینمای داستانی وجود دارد؟

اولین موضوعی که در سینما به آن توجه می‌شود، موضوع اقتصاد است. اگر به یاد داشته باشید، فیلم‌های با موضوع فرش با حمایت بنیاد سینمایی فارابی ساخته شد؛ یعنی از فیلمساز دعوت می‌کنند تا در این زمینه فیلم بسازد. به یاد دارم که آقای میرکریمی تهیه‌کننده فیلمی درباره فرش ایرانی است که در آن ۱۵ کارگردان، ۱۵ فیلم ساختند اما شما در حال حاضر چنین همتی را نمی‌بینید که بگویند فیلمسازی ۲۰ موضوع درباره سفالگری کار و آن را سینمایی کند. از نظر خیلی‌ها دوره این کارها گذشته اما فرهنگ و هنر تعطیلی‌بردار نیست؛ هر زمانه و هر دوره‌ای نیاز به فکر و موضوعات جدید دارد و در کشور ما باید مسئولان و متولیان امر از فیلمسازی مرتبط با صنایع‌دستی حمایت کنند اما هدایت نکنند. به عنوان مثال، درباره خوشنویسی ۲۰ سال پیش فیلم ساخته شده و در حال حاضر بچه‌های ما به قدری با تبلت و رایانه می‌نویسند که نمی‌دانند خوشنویسی چیست. بنابراین مشکلات به خواست متولیان برمی‌گردد و اگر آنها بگویند که می‌خواهند درباره صنایع‌دستی فیلم بسازند، ممکن است فیلمسازان ۲۰۰ طرح ارائه دهند و حداقل از این میان ۲۰ طرح خوب پیدا می‌شود. این همان کاری است که در مرکز گسترش مستند و تجربی انجام دادیم. الان باید همت یا شوری به وجود بیاید که این بچه‌های جوان طرح‌های خود را بیاورند اما به نظرم وجود ندارد.

برش

تورق فرش و قالی ایرانی در سینمای ایران

پیش گل‌هاش، گلستان خار است

علی رستگار
گروه فرهنگ و هنر

۱۰ ژوئن یا همین روز ۲۰ خرداد که در تقویم روز جهانی صنایع‌دستی نام‌گذاری شده، هرقدر یادآور گستردگی، گوناگونی و اهمیت این عرصه در ایران هم است اما درعین حال غیبت محسوس بیش از ۳۰۰ رشته صنایع‌دستی در فیلم‌های ایرانی می‌تواند محل نگرانی و سؤال باشد و این‌که چرا سینمای ایران نتوانسته فضایی برای نمایش آثار کشوری به وجود آورد که رتبه سوم تولید صنایع‌دستی جهان را دارد. در فقدان پل ارتباطی و تعاملات سازنده نهادی چون میراث فرهنگی و متولیان سینما برای ساخت فیلم‌هایی جذاب و موثر و معرف انبوه صنایع‌دستی ایران، تنها در زمینه فرش حرف‌هایی برای گفتن داریم و می‌توان فیلم‌هایی را سراغ گرفت که فرش به عنوان مشهورترین و محبوب‌ترین صنایع‌دستی ایران در آن نقش محوری داشته‌است و تقریبا به میزان حضور همواره‌اش در خانه مردم و قصه نقش و نگارهایش به سینما راه یافته و به حیات خود ادامه داده‌است. ضمن این‌که مرکز ملی فرش ایران هم در این چند نمونه‌ای که پای کار آمده، نشان داده ضرورت و اهمیت سازوکار اقتصادی و تجاری این شاخه صنایع‌دستی ایران را به خوبی درک کرده و دریافته و آن را با مدیوم تاثیرگذاری چون سینما پیوند زده تا از وجوه فرهنگی و هنری این صنعت غافل نباشد. به بهانه روز ملی فرش دستباف، چند فیلم مرتبط با این حوزه را ورق زده‌ایم.

بزرگان پای دار فرش ایرانی

مهم‌ترین فیلم سینمای ایران درباره فرش، «فرش ایرانی» به تهیه‌کنندگی رضا میرکریمی و محصول سال ۸۵ است. میرکریمی با همکاری مرکز ملی فرش ایران و بنیاد سینمایی فارابی در اقدامی ارزشمند، بعضی از فیلمسازان کشور را برای ساخت فیلم‌های کوتاهی با محوریت فرش گردهم آورد و فارغ از کیفیت و جذابیت کم و بیش آثار، یادگاری بی‌نظیری تولید کرد. فرش عشایری (بهروز افخمی)، مشترک مورد نظر در دسترس نیست (رخشان بنی‌اعتماد)، قالی سخن‌گو (بهرام بیضایی)، گره‌گشایی (جعفرپناهی)، فرش زمین (کمال تبریزی)، فروشی نیست (سیف‌ا... داد)، فرمایش آقا سیدرضا (مجتبی راعی)، قالی جادو (شازده کوچولو) (نورالدین زرین‌کلک)، فرش، اسب، ترکمن (خسرو سینایی)، فرش و زندگی (بهمن فرمان‌آرا)، کجاست جای رسیدن؟ (عباس کیارستمی)، دست‌آفرینی هدیه به دوست (مجید مجیدی)، فرش و فرشته (داریوش مهرجویی)، خاطره خاطره (رضا میرکریمی)، کپی برابر اصل (محمدرضا هنرمند) هرکدام رد و نشانی از سبک و نگاه کارگردان‌هایشان دارند و به سهم خود بر قدر و قیمت فرش به عنوان یکی از شاخصه‌های فرهنگی و هنری و تجاری این سرزمین تاکید می‌کنند.

پیوند فرهنگی با جهان

«فرش باد» به کارگردانی کمال تبریزی و تهیه‌کنندگی علیرضا شجاع‌نوری و محصول سال ۸۱ احتمالا جذاب‌ترین فیلم مرتبط با موضوع فرش در سینمای ایران است و این هنر دستی به خوبی در بافت قصه و فیلمنامه تنیده شده و کارکردی دراماتیک و تاثیرگذار دارد. ضمن این‌که فرش ایرانی در این داستان، فراتر از مرزها هم گسترده می‌شود و پیوند و تعاملی دوستانه را با کشور ژاپن رقم می‌زند و بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها را هم دنبال می‌کند؛ بده و بستان و گفتمانی که فرش ایرانی باعث ایجاد آن می‌شود.

رنج بافندگی

«ترنج» به کارگردانی محمدرضا اعلامی محصول سال ۶۵ از مهم‌ترین فیلم‌های سینمای ایران با موضوع قالی و فرش است و در قصه‌ای پرفراز و نشیب، عشق و رنج مرتبط با بافندگی و فرشبافی و برپا کردن دار قالی، بیش از پیش به اهمیت این صنایع دستی پی می‌بریم. جنگ و مقاومت احمد (علی نصیریان) به عنوان استادکار و طراح فرش در طول قصه در مقابل سنگ‌اندازی‌ها و خباثت یعقوب و دارو دسته‌اش، فرش را به عنصری فراتر از یک صنایع دستی به عنصری حیاتی و نمادی ملی تبدیل می‌کند و حتی در پس انتقال این عشق و بافندگی به دختر جوانش هم پیامی واضح درباره انتقال سنت کهن ایرانی به نسل نونهفته‌است.

از تار و تا تار فرش

در فیلم «دختران خورشید» به کارگردانی مریم شهریار و تهیه‌کنندگی جهانگیر کوثری محصول سال ۷۸، فرش و بافندگی محملی برای قصه عاشقانه و دراماتیکی می‌شود و داستان دختری که پدرش برای کار کردن او در یک کارگاه قالیبافی موهایش را می‌تراشد تا به لباس یک پسر درآید، نقطه عطف فیلم را ایجاد می‌کند و گره‌ای برای پیگیری قصه می‌زند.

چند فرش گسترده دیگر

همایون اسعدیان، دو فیلم فرشی در کارنامه دارد؛ یکی فیلمی تلویزیونی به نام «آخرین گره خورشید» که در فضایی جدی ماجرایی درباره یک قالیچه ایرانی در آلمان را روایت می‌کند و بحث‌هایی درباره بازگشت به ریشه‌ها و هویت ملی را پیش می‌کشد و یکی هم کمدی سینمایی «ده رقمی» که روایتگر قصه سرقت یک فرش عتیقه و قیمتی است. در فیلم‌های گبه، شیار۱۴۳، داستان خانواده فرشچی و سریال بی‌گناه هم رد و نشانی از فرش و قالی به چشم می‌خورد. همچنین که در فیلم‌های خانه پدری و عنکبوت هم فرش‌ها حضور سیاه، آزاردهنده و به دور از زیبایی ظاهری و باطنی آن دارند. فارغ از این دو مورد استثنائی، معمولا مواجهه‌های تحسین‌آمیز را درباره این صنایع دستی برجسته ایرانی به در سریال «روزگار قریب» در تحسین فرش برای همسرش (زری مامان با بازی آفرین عبیسی) می‌خواند: «این نه فرش است گل نسرین است/ پرده دیده حورالعین است/ پیش گل‌هاش گلستان خار است/ تارش از رشته جان بافته‌اند/ بهر دارای جهان بافته‌اند.»

قاب

آغاز فیلم سینمایی مصلحت در شیراز

فیلم سینمایی «مصلحت» به کارگردانی حسین دارابی و تهیه‌کنندگی محمدرضا شفاه با حضور عوامل این فیلم سینمایی در شهر شیراز اکران شد. این اثر سینمایی که با شعار «عدالت خط قرمز ندارد!» اکران رسمی خود را در سینماهای سراسر کشور آغاز کرده است، روایتی از یک پرونده مشکوک و پررمز و راز است که مصلحت سیاسی نظام، مسیر رسیدگی به آن را با فرازونشیب‌های مختلفی روبه‌رو می‌کند. مصلحت اولین ساخته سینمایی حسین دارابی است که برای ساخت آن دیپلم افتخار بهترین کارگردانی فیلم اول را در سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر دریافت کرد و پس از آن این اثر به مدت سه سال در سینماها توقیف شد.

رویداد

راهیابی «ریبوار» به جشنواره بلغارستان

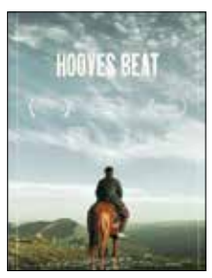

فیلم کوتاه «ریبوار» به کارگردانی «فرگل مسروری‌راد» و «سیدحسین زیتون‌نژاد» به جشنواره بین‌المللی و مورد تایید اسکار In The Palace راه یافت. جشنواره In The Palace بلغارستان در سال ۲۰۰۳ تأسیس شد. این رویداد از معتبرترین و قدیمی‌ترین جشنواره‌های بین‌المللی فیلم کوتاه و مورد تأیید جایزه گویا و اسکار است. بهترین فیلم کوتاه این جشنواره، واجد شرایط رقابت در اسکار می‌شود. بیستمین دوره این جشنواره از تاریخ ۱۰ تا ۱۷ ژوئن (۲۰ تا ۲۷ خردادماه ۱۴۰۲) در کاخ فرهنگ پرنیک صوفیه بلغارستان برگزار می‌شود. فیلم کوتاه ریبوار پیش از این جشنواره به چهلمین دوره جشنواره فیلم کودک و نوجوان مالموی سوئد، چهل‌وپنجمین دوره جشنواره فیلم زنان فرانسه، چهل‌ویکمین دوره جشنواره کودک و نوجوان فرانسه و نهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم دهوک نیز راه یافته بود. این فیلم کوتاه، راوی داستان تینو، پسر نوجوانی است که در کوهستان مرزی زندگی می‌کند و اتفاقی، او را در آستانه تصمیم مهمی قرار می‌دهد. فریدون حامدی، شب‌بو سلیمانی و ماردین شیخ‌مرادی در این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند و مجموعه دریچه سینما، مسئولیت پخش بین‌الملل آن را به عهده دارد.

اکران

هفته فیلم کودک ایرانی در سارایوو

رویداد «هفته فیلم‌های کودک و نوجوان ایرانی» از ۱۵ تا ۱۸ خرداد در سارایوو در حال برگزاری است. هفته فیلم‌های کودک و نوجوان ایرانی از تاریخ ۱۵ تا ۱۸ خردادماه در سالن سینمای مرکز بین‌المللی کودکان و نوجوانان سارایووی بوسنی‌وهرزگوین در حال برگزاری است. این برنامه به همت رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در این کشور با همکاری سازمان سینمایی سوره (وابسته به حوزه هنری انقلاب اسلامی) و استودیو پویانمایی «اسکای فریم» و مشارکت مرکز بین‌المللی کودکان و نوجوانان سارایوو اجرا می‌شود. در این رویداد، چند پویانمایی و فیلم به‌روز سینمای ایران ازجمله «پسر دلفینی»، «لوپتو»، «مبارک» و «قهرمانان کوچک» با حضور دانش‌آموزان مدارس مختلف سارایوو به نمایش درمی‌آید. همچنین طبق پیش‌بینی انجام شده در هر اکران حدود ۱۵۰ دانش‌آموز بوسنیایی به تماشای فیلم‌های ایرانی می‌نشینند. پخش بین‌الملل انیمیشن سینمایی لوپتو برعهده مرکز بین‌الملل سوره است.